

آیه خبرنگاری در قرآن کریم

احمدعلیتیان|خبرنگاری از کارهای مهم وحساسی است که گاهی سرنوشت جامعه را تحت تأثیر قرار می دهد و قرآن کریم نیز در آیاتی به بیان نکاتی درباره خبر و خبررسانی پرداخته است.

مهم ترین آیه قرآن در این زمینه، آیه خبر یعنی همان آیه ۶ سوره حجرات است که خداوند متعال می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر فاسقی برای شما خبری مهم آورد، تحقیق کنید؛ مبادا [از روی زودباوری و شتاب زدگی تصمیم بگیرید و] ناآگاهانه به گروهی آسیب رسانید، سپس از کرده خود پشیمان شوید.»

این آیه، هم به خبرنگاران تذکر می دهد که درباره منبعی که خبر خود را از آن تهیه می کنند، دقت کنند و هم به خوانندگان خبر تذکر می دهد که به هر رسانه ای اعتماد نکنند.

تحقیق درباره خبر و اخبار که در این آیه بر آن تأکید شده است، باعث می شود آسیب هایی مثل تقلید کورکورانه و پیروی از عادات وآداب ورسوم و خرافی، پیروی از خیالات، شایعات، پیشگویی ها و رؤیاهای بی اساس، داوری و موضع گیری بدون علم، ستایش یا انتقاد بدون علم و نوشتن و گفتن بدون علم و... از جامعه دور شود.

اصل در اسلام، اعتماد به مردم است، اما حساب شخص یا رسانه ای که فسق او بر همه روشن شده است، از افراد عادی جداست؛ زیرا افراد فاسق، درصدد ترویج اخبار دروغ و شایعه پراکنی هستند.

بنابراین خبرنگار و خبرخوان مؤمن، خوش باور نیست و تحقیق و بررسی رابه تأخیر نمی اندازد؛ زیرا جامعه اسلامی، در معرض تهاجم خبری است و مردم باید هوشیار باشند.

حکمت

محمد(ص)؛ مُهر پایان بخش حیرت انسان

إِنِّي أَنَا بَعَثَ اللَّهُ شَيْخَانَهُ مُحَمَّدًا[صلی الله علیه وآله] رَسُولَ اللَّهِ لِإِنجَازِ عِدَّتِهِ وَ إِتْمَامِ نَبُوءَتِهِ مَا خُوِّدَا عَلَى الْبَيْنَيْنِ مِيقَاتِهِ، مَشْهُورَةٌ سَمَاتُهُ كَرِيمًا مِيلَادُهُ، وَ أَهْلُ الْأَرْضِ يُؤْمِنُونَهُ مِلَّةً مُتَّفَقَةً وَأَهْوَاءَ مُتَشَتِّرَةٍ وَ طَرَائِفَ مُتَشَتِّتَةٍ.

در دل خطبه اول نهج البلاغه، آنجا که امیرالمؤمنین^(ع) پرده از خلقت انسان وفرزافروود تاریخ برمی دارد، به نقطه ای طلایی ومحوری می رسیم؛ بعثت رسول اکرم^(ص)، امام علی^(ع) در تعبیری شگرف، فلسفه این بعثت را نه صرفا شریعتی نو که «لِإِنجَازِ عِدَّتِهِ وَ إِتْمَامِ نَبُوءَتِهِ» می خواند، یعنی وفای به وعده الهی و تکمیل و ختم نبوت، این جمله کلیدی به ما می گوید که دین محمدی، نسخه ای موقت درمیان نسخه های دیگر نیست، بلکه مقصد نهایی کاروان انبیا و تحقق وعده ای است که خداوند در فطرت انسان نهاده بود.

تصوریری که امام^(ع) از جهان پیش از بعثت ترسیم می کند، آینه ای از سرگردانی بشر امروز است:«مِلَّةٌ مُتَّفَقَةٌ وَأَهْوَاءُ مُتَشَتِّرَةٌ، مردمی که در پراکندگی کیش ها، تفرق آرا وتشتت راه ها،گم شده بودند.» گروهی خدا را به مخلوقات تشبیه می کردند، گروهی صفات سزاوار او را انکار می کردند و عده ای به بت ها دل بسته بودند. در این وانفاسی گمراهی، پیامبری برانگیخته شد که نشانه هایش در کتب پیشینیان، مشهور و مینقاش از تمام انبیا گرفته شده بود. این یعنی اسلام، نه یک حرکت خود جوش و بی ریشه که طرحی ازپیش طراحی شده در متن خلقت است.

امام علی^(ع) سپس با عباراتی سرشار از ادب و اشتیاق، از عروج ملکوتی پیامبر^(ص) به «فردوس اعلی» سخن می گوید، جایی که خداوند، رنج دنیا را از او برداشت و وی را به جوار خویش برگزید. اما نکته حیاتی اینجاست که پیامبران، امت خود را بی راهنما رها نمی کنند. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) تصریح می کند که رسول خدا^(ص) نیز جوانان سایر انبیا، میراثی بس گران بها بر جای نهاد:«طريقًا واضعًا» و«عَلَمًا قائمًا» راهی روشن و پرچمی برافراشته. امروز، در هیاهوی مکاتب رنگارنگ و ایدئولوژی های سرگردان شرق و غرب، این فراز از کلام علوی فریاد می زند که اگر بشر به دنبال حق است، باید در این نقطه بایستد و ببیند یشد. کامل ترین دین با خاتم پیامبران، ابلاغ شده است و راه سعادت، گم شده در کثرت آرا نیست، بلکه تمسک به همان «طريق واضح» و «علم قائم» است که میراث ماندگار محمدی است. علی^(ع) به ما آموخت که نقطه پایان حیرت، بعثت است و نقطه آغاز رستگاری، تبعیت از این میراث آسمانی.



از رساله های حجت‌المراد

سیره بزرگان

غیبت از مسئولان، آیا جایز است؟

سمانه رضوانی| یکی از دغدغه های مهم مؤمنان در عرصه اجتماعی، نحوه مواجهه با عملکرد مسئولان و ارزیابی کارهای آنان است. از یک سو، احساس مسئولیت دربرابر سرنوشت جامعه و نظارت بر امور، ریشه در آموزه های دینی دارد و ازسوی دیگر، شرع مقدس به شدت از آبروبری و ذکر عیوب پنهان افراد، نهی کرده است. حال این پرسش اساسی مطرح می شود که آیا بررسی کارهای مسئولان نظام مقدس جمهوری اسلامی در غیاب آنان، از نظر شرع مقدس اسلام، غیبت محسوب می شود یا خیر؟ در پاسخ به این پرسش، نظرات مراجع تقلید را بررسی می کنیم.

شهید آیت الله العظمی سید علی خامنه ای:

گزارش دادن ظلم مسئولان به مراکز و مراجع مسئول برای پیگیری و تعقیب بعد از تحقیق و اطمینان نسبت به آن اشکال ندارد و حتی اگر از مقدمات نهی ازمتنکر محسوب شود، واجب می شود، ولی بیان آن دربرابر مردم وجهی ندارد، بلکه اگر موجب فتنه و فساد و تضعیف دولت اسلامی شود، حرام است.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی:

«غیبت آن است که عیب پنهانی ومخفی شخص، نزد کسی که از آن اطلاع ندارد بیان شود، اما انتقادهای سازنده همراه با ادب واحترام اشکالی ندارد.» همچنین ایشان حوزه های جواز غیبت را چنین برشمرده اند: «غیبت کردن تنها در مواردی ازقبیل داد خواهی دربرابر ظلم هایی که به انسان شده و منسورت دادن به افراد و مواردی که نهی ازمتنکر تنها از همین راه باشد، مجاز است.»

شکر

SHAHIRANEWS.IR
شبهه
۱۴
۱۳۰۵ مرداد ۱۳۹۲
شماره ۱۸۸۷



معارف

بررسی ضرورت ها، آثار و برکات امانت داری در جامعه ایمانی

با امانت داری محبوب خدا شویم

آمَنهُ مستقیمی| قرآن کریم در وصف ویژگی های پیامبر خاتم^(ص)، اوصاف و تعابیر مختلفی دارد که یکی از مهم ترین آن ها در آیه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ خَسَنَةٌ»(احزاب، ۲۱) بیان شده است؛ یعنی وجود مقدس حضرت رسول^(ص) الگویی است که با الهام از آن می توان راه سعادت را یافت وعاقبت به خیر شد. از قله های مهم این الگو بودن، امانت داری است؛ چنان که حضرت حتی قبل از بعثت به «محمد امین» شهرت داشتند. در آستانه سالروز رحلت ایشان، این خصیصه وبرکاتش را برای سبک زندگی مؤمنان، بررسی کرده ایم.

گزارش

ویژگی اصلی مؤمنان

امانت داری از فضایل اخلاقی و به معنای حفظ و نگهداری شرعی و قانونی حقوق و منافع دیگران است. امانت داری در قرآن کریم به عنوان یک دستور الهی، نشانه ای از تقوا وفوای به عهد معرفی شده و با واژه «امین»، به عنوان صفتی برجسته برای پیامبران و فرشته وحی، مؤمنان و نمازگزاران به کار رفته است. این فضیلت به اندازه ای اهمیت دارد که همه ادیان مقدس الهی، به خصوص اسلام، درباره تقویت این صفت نیک، توصیه های فراوان کرده اند. قرآن نیز می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَيْهِنَّ؛ همانا خداوند به شما فرمان می دهد که امانت ها را به اهل آن بدهید.»(نساء، ۵۸) و نیز آن را صفت مؤمنان معرفی می کند: «الَّذِينَ هُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ.»(مؤمنون، ۸)

دربرابر دشمن نیز امانت دار باشیم

علاوه بر قرآن که در آیات متعدد، بر امانت داری وامین بودن مؤمنان تأکید می کند، روایات اهل بیت^(ع) نیز درباره این فضیلت و ایجاد وتقویت آن در وجود انسان، سفارش های فراوان کرده اند؛ چنان که این خصیصه را عامل افزایش رزق وروزی معرفی کرده اند. ائمه معصوم^(ع) تأکید کرده اند رد امانت باید حتی درباره قاتلان آن ها و افراد بدکار نیز انجام شود و در این باره استثنا وجود ندارد. امام سجاد^(ع) به شیعیان خود توصیه می کنند که امانت داری را در حد اعلارعایت کنند و حتی درباره میزان پایبندی خود به امانت داری می فرمایند: «اگر قاتل پدر بزرگوارشان، امام حسین^(ع)، شمشیری را به عنوان امانت به ایشان بسپرد، آن را با کمال امانت داری باز خواهند داد.»(الأمالی، ۱۴۱ق، ص ۳۱۹).

سبب انسجام اجتماعی می شود

امانت داری، دارای آثار فردی و اجتماعی متعدد است؛ قرآن کریم در آیات ۷۵ سوره آل عمران، از امانت داری برخی از اهل کتاب یاد می کند، سپس آن دسته از کسانی را که امانت دار هستند و به عهد خود وفا می کنند، جزو پرهیزکاران و محبوب خداوند معرفی می کند. این ویژگی در بعد اجتماعی نیز آثار وبرکات فراوان دارد. اگر امانت داری در جامعه گسترش یابد، سایه رحمت دیگر دوستی بر سر مردم، گسترده می شود و پیوند میان افراد اجتماع را محکم تر می کند. پیامبر^(ص) می فرمایند: «امت من همیشه در خیر و سلامت هستند تا زمانی که به یکدیگر خیانت نورزند و ادای امانت کنند.»(بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۷۲)، امام کاظم^(ع) فرمودند:«تا وقتی که زمینیان به یکدیگر محبت کنند وامانت دار باشند و به حق عمل کنند، مشمول رحمت اند.»(بحارالانوار، ج ۵۶، ص ۱۱۲) امیرمؤمنان علی^(ع) نیز فرمودند: «به کارگیری امانت، روزی را زیادهای می کند.»

پیامبر اکرم^(ص)، امین مردم بود

گزارش های تاریخی متعددی درباره امانت داری رسول خدا^(ص) نقل شده است؛ مثلاً آنکه وقتی پیامبر^(ص) با سرمایه حضرت خدیجه^(ع) به تجارت پرداخت و با موفقیت از سفر تجاری برگشت، خدیجه^(ع) به او گفت: «ای پسرعمو! من به شرافت نسب، قرابت، راستگویی، اخلاق پسندیده و امانت داری تو دربین مردم و قوم خود، افتخار می کنم.» پس از آن بود که حضرت خدیجه^(ع) به پیامبر پیشنها د ازدواج داد.(تاریخ طبری، ج ۲، ص ۲۸۱) مردم، امانت های خود را به پیامبر^(ص) می سپردند. وقتی ایشان تصمیم گرفت به مدینه هجرت کند، از امام علی^(ع) خواست زمانی از مکه به سوی مدینه حرکت کند که امانت های مردم نزد پیامبر^(ص) را به صاحبانشان بازگرداند.(الارشاد، ج یک، ص ۵۳)

ایمان افراد را با امانت داری بسنجید

پیامبر اکرم^(ص) در حدیثی به حضرت امیرالمؤمنین^(ع) فرمودند: «ای ابوالحسن! امانت را چه مربوط به شخص نیکوکار باشد چه بدکار، چه کم باشد چه زیاد، به صاحبش برسان، حتی در نخ و سوزن.» امام علی^(ع) می گویند این سخن را پیامبر^(ص) ساعتی پیش از وفاتش به من فرمود و سه بار آن را تکرار کرد! (بحارالانوار، ص ۲۷۲، باب ۱۱)، امام صادق^(ع) نیز درباره سنجش ایمان در افراد می فرمایند: «نگاه به رکوع و سجود طولانی افراد نکنید[و فقط آن را نشانه دیانّت آن ها ندانید] چراکه این چیزی است که ممکن است به آن عادت کرده باشند و هرگاه آن را ترک کنند، نگران می شوند، ولی نگاه به راستگویی و امانت داری آن ها کنید.»(الکافی، ج ۲، ص ۱۰۵)

خیانت در امانت، گناه کبیره است

در اسلام به همان اندازه که امانت داری، شریف و ارجمند است، خیانت در امانت، نکوهش شده و در ردیف گناهان کبیره جا گرفته است، چنان که منابع روایی و اخلاقی، «خیانت در امانت» را از گناهان کبیره معرفی می کنند. «گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۵۲)، شیخ حرعاملی در وسائل الشیعه، بخشی را به حرام بودن این عمل، اختصاص داده و روایاتی نقل کرده است که خیانت در امانت را عامل فقر، خروج از دین و آیین پیامبر^(ص) و موجب خشم الهی می داند. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) نیز در نکوهش این رذیله می فرمایند: «بدترین مردم، کسی است که به امانت معتقد نباشد و از خیانت پرهیز نکند.»(شرح غرالحکم، ج ۴، ص ۱۷۵) علاوه بر اسرار و اموال شخصی، واجبات الهی و دستورات شرعی، اموال و مؤسسات دولتی، اسرار نظامی و سیاسی نیز جزو امانت هایی هستند که خیانت در آن ها، ما را دچار عواقب سوء می کند.

چیستی شجاعت در کلام پیامبر اکرم(ص)

سلطه هوای نفس باعث دوری از سعادت است

پیامبر اکرم^(ص) در این رهنمود، واژه «غَلَبَ» را آورده اند، بنابراین بین هوای نفس و میل و خواهش های درونی با عقل جنگ و نبردی دائمی وجود دارد. در این میدان نبرد، شجاع ترین افراد آن هایی هستند که در این جنگ بر هوای نفس پیروز شوند. هوای نفس بزرگ ترین دشمن انسان هاست و کسی که بر این دشمن غالب شود، شجاع ترین انسان هاست. سلطه هوای نفس بر شخصیت انسان و اطاعت بی چون وچرا از هوای نفس، موجب انحراف انسان از راه خدا و پیامبر و امامان می شود و دیگر قانون خدا را به رسمیت نمی شناسد و هر میل و خواسته نفس سرکش را انجام می دهد. در این رهنمود نبوی، برنامه ریزی برای نبرد رهایی بخش با هوای نفس سفارش شده است. این پیامبر مقدس است و انسان را از کفر و نفاق و شرک و فساد و طغیان و گناه بازمی دارد. کسی که همواره تابع هوای نفس است، هرگز روی سعادت را نمی بیند.

پیروی از هوای نفس به خودپرستی می انجامد

اگر هوای نفس بر انسان، حاکم و خدای او شود، این بت پرستی و کیش شخصیت، فرمان عقل و شرع را زمین می زند. پیامبر خدا^(ص) انسان پیروز در نبرد با هوای نفس را شجاع ترین انسان ها می داند و او را ستایش می کند.

مالک نفس بودن در این است که انسان بر نفسش تسلط کامل پیدا کند و براساس شرع و عقل، آن را مهار کند و گرفتار گفتار و رفتار نادرست، باطل، نابخردانه و خلاف شرع نشود. غضب، کیفیت نفسانی است که سبب حرکت و هیجان نفس و اقدامات خطرناک و زیان بار و خونین می شود. باید با تربیت و تهذیب نفس از آثار زشت غضب، رهایی یافت.

غلبه بر هوای نفس بالاترین شجاعت است

رسول خدا^(ص) در حدیثی دیگر فرموده اند: «أَشَجُّ النَّاسِ مَنْ غَلَبَ هَوَا؛ شجاع ترین مردم کسی است که بر هوای نفسش غلبه کند و پیروز شود.(من لایخضره الفقیه شیخ صدوق، ج ۴، ص ۳۹۵* امالی شیخ صدوق، مجلس ششم، حدیث چهارم، ص ۲۱* معانی الاخبار شیخ صدوق، ص ۱۹۵* الاربعون حدیث شهید ثانی، حدیث بیست و چهارم، ص ۵۵* اعلام الدین فی صفات المؤمنین دلمی، ص ۳۲۲* الوافی فیغ کاشانی، ج ۲۱، ص ۱۵۹* بحارالانوار علامه مجلسی، ج ۶۷، ص ۷۶ و ج ۱۲۲، ص ۱۲۲)

در این حدیث نبوی، نیز نبرد با هوای نفس معیار شجاعت، شناخته شده است. درمیان شجاعان جهان، آن انسانی که در نبرد با هوای نفسش پیروز شود، بهترین شجاعان است. هوای نفس، آدمیان را به سودجویی، ستمگری، خیانت، جنایت، دنیاپرستی، رفاه طلبی، خون ریزی، قتل، غارت و کارهای لذت بخش حرام و ضدعقل می کشاند.

شجاعت چیست و شجاع ترین انسان کیست ؟ شجاعت یک فضیلت بزرگ اخلاقی و از ویژگی های پیامبر خدا^(ص) و امامان^(ع) است. اهل بیت^(ع) در کلام خویش، چیستی شجاعت را بیان کرده اند. شجاعت به معنای قدرت قلب و باجرت بودن در اقدامات، دلیری، دلاوری، ترسبی، پُر جگری، پهلوانی، جنگاوری و شهامت است.

معیارهای شجاعت در کلام پیامبر اکرم(ص)

معیارهای شجاعت در رهنمودهای پیامبر اکرم^(ص) وجود دارد. حضرت محمد^(ص) فرموده اند: «الْشَّجَاعُ مَنْ تَمَلَّكَ نَفْسُهُ عِنْدَ غَضَبِهِ؛ شجاع کسی است که مالک نفسش در هنگام خشم شود.»(جامع السعادات، مولی محمد مهدی ترقائی، ج یک، ص ۳۲۵). انسان ها در زمان خشمگین شدن به سخنان زشت و ناروا رومی آورند و رفتار نادرست و بد پیدا می کنند. براساس این حدیث نبوی، آن انسانی که در غضب، خشم، عصبانیت، بارفروختگی و هیجان، بر نفسش مسلط باشد و بتواند هوای نفسش را کنترل و مدیریت کند و آلوده به ضدارزش ها نشود، «شجاع» است.



عقبه هبیت علیی دانشگاه فردوسی مشهد
حجت الاسلام والمسلمین دکتر مصدق‌زاده جهرانی

دردن